

موضوع: نماز در سخن و سیره پیامبر اسلام

تاریخ پخش: ۸۵/۱۱/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی بالتقوی»

جسارتی به پیامبر ما کردند در یک کاریکاتور و مقام معظم رهبری امسال را سال نبی اعظم نامگذاری کردند. کتاب‌های زیادی هم نوشته شد، سیره‌ها نوشته شد، کتاب‌ها نوشته شد، الحمدلله کارهای خوبی شد و دارد سال کم کم تمام می‌شود و در پایان سال من فکر کردم که یک خورده راجع به، آنچه پیغمبر راجع به نماز گفته صحبت کنم و یک بررسی کنیم چه چیزهایی مردم را به نماز دلگرم یا دلسرد می‌کند. بنابراین اصولاً همه نمازهای ما نمازهای خوبی است، همه نمازهای ما نمازهای قبولی است، شرائط نماز چطور است؟ چند رقم نماز داریم و چطور است.

در قرآن چند رقم نماز داریم و بعضی از نمازها ستایش شده و بعضی از نمازها مورد توبیخ قرار گرفته. اما حالا این موضوع بحثمان باشد که گوشه‌ای از سخنان و روش پیامبر اکرم (ص) در مسأله نماز.

۱- نماز، نور چشم پیامبر اسلام

عرض کنم، اینهایی که می‌گوییم دیگر همه از پیغمبر است. ۱- نور چشم من است. فرمود: «قُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (کافی/ج ۵/ص ۳۲۱) البته هرکس توجه داشته باشد اینطور می‌شود، چون ما با کسی که دوستش داریم حرف می‌زنیم خیلی شاد هستیم، یعنی اگر کسی را که آدم دوستش دارد ممکن است در تلفن، می‌داند هر تلفن دقیقه‌اش چند است، ولی اگر آدم با کسی که دوستش دارد حرف بزند، یک وقت ممکن است چهل دقیقه ایستاده، ولی پایش هم خسته نشده. این فوتبالیست‌ها چون دوست دارند گل بزنند، اگر در زمین چمن بیفتند استخوانشان هم بشکند، حالیشان نیست، چون عاشق گل زدن است. آدم با خالق هستی حرف می‌زند. شما با یک مدیرکل حرف می‌زنی کلی لذت می‌بری. مثلاً با رئیس جمهور صحبت کنید. می‌گویید ده دقیقه به من وقت بده. مثلاً با مقام معظم رهبری صحبت کنید، می‌گویید پنج دقیقه خصوصی با خودش حرف دارم. هرچی می‌خواهی خصوصی با خدا حرف بزنی. دیگران کاری نمی‌توانند بکنند. قرآن می‌گوید همه جمع شوند، «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا» (حج/۷۳) همه جمع شوند نمی‌توانند یک مگس خلق کنند. اگر یک مگس یک چیز را برداشت فرار کنند، همه عقیش بدون نمی‌توانند از دهانش پس بگیرند. اینکه انسان با خدای هستی حرف بزند، افرادی که نماز نمی‌خوانند توجه ندارند چه چیزی را از دست می‌دهند، با خدا حرف نزنند با کی حرف بزنند؟ با کاسب محل و جگرفروش و نانوا و قصاب و زن و بچه و همسر و دوست و کارگر و کارمند و... از حرف زدن با اینها خسته نمی‌شوی، اما تا می‌گویند نماز بخوان، «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ» (بقره/۴۵) نماز سنگین است، سه ساعت نشسته گل می‌بیند که مثلاً این توپ کجا رفت ولی پنج دقیقه که می‌خواهد مطالعه کند خسته می‌شود. پیغمبر فرمود نماز نور چشم من است، یعنی لذت می‌برم. حتی حدیث داریم که گرسنه غذا می‌خواهد، تشنه آب می‌خواهد، گرسنه و تشنه از آب و غذا سیر می‌شود ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.

۲- نماز، مایه آرامش روحی مؤمنان

۲- «أَرِحْنَا يَا بَلَالُ» (بخارا انوار/ ج ۷۹/ ص ۱۹۳) هر وقت پیغمبر به او فشار می‌آمد می‌گفت راحت کن، البته ما می‌گوییم از نماز راحت شدیم ولذا نماز که می‌خوانیم می‌گوییم نماز خواندیم راحت شدیم، ما از نماز راحت شدیم، پیغمبر با نماز راحت می‌شود. یعنی وقتی به او فشار می‌آمد، می‌گفت بلال اذان بگو تا بلکه وقتی گفتی الله اکبر، او بزرگ است، بزرگتر از همه غصه‌ها و دنیا و پول‌ها و پست‌ها و مقام‌ها و نوشتنی‌ها و گفتنی‌ها و فکر کردنی‌ها و الله اکبر. یعنی یک مرتبه می‌کند می‌برد جای دیگر. الله اکبر، مثل یک جلسه‌ای که دارند چرت و پرت می‌گویند یا هر کسی یک گله‌ای دارد، غصه‌ای دارد، مشکلاتش را حل می‌کند، شما بلند می‌شوی می‌روی بیرون، وقتی از این اتاق رفتی بیرون، فضا، فضای دیگری می‌شود. بلال، فضا را فضای دیگری کن. من را از این بن بست نجات بده.

عایشه می‌گوید که پیغمبر با ما حرف می‌زد، تا صدای اذان را می‌شنید انگار که من زنش نبودم، ۱۸۰ درجه عوض می‌شد. به قدری می‌ایستاد نماز می‌خواند که پاهایش ورم کرده بود، آیه نازل شد، یک سوره داریم به نام سوره طه، «طه» یعنی پیغمبر، «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه/ ۲) من قرآن را نفرستادم که تو اینطور عبادت کنی، کمتر عبادت کن یک خورده به خودت استراحت بده. دو تا سوره در قرآن است، یکی «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ» (مدثر/ ۱) یکی سوره «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ» (مزمّل/ ۱) معنایش هم تقریباً یکی است، «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ»، «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ» بلند شو به عبادت بپرداز، تو چون رهبر هستی باید سحرها بیدار باشی. وقتی خدا یک نعمتی مثل کوثر به پیغمبر می‌دهد، می‌گوید من به تو کوثر دادم، چون به تو کوثر دادم «فَصَلِّ» شکر این کوثر این است که نماز بخوانی، یعنی نماز بهترین تشکر از خداست. وقتی می‌خواهد معراج برود، از توی خانه معراج نمی‌رود می‌آید در مسجد، از مسجد معراج می‌رود. آخرین کلمه همه پیغمبرها سفارش به نماز است. و حتی حدیث داریم حضرت فرمود اگر کسی نماز را سبک بشمارد، از ما نیست.

۳- توجه به ساخت مسجد در شهرک‌های جدید

حالا سبک شمردن نماز چی است؟ ما الآن چقدر شهرک داریم که مسجد ندارد؟ شهردار آن منطقه، فرماندار آن منطقه، امام جمعه‌اش، نمی‌دانم مهندسی که آن شهرک را ساخته، وزارت مسکن، حالا من الآن پشت تلویزیون حق ندارم بگویم شرعاً مسؤول کی است، چون نمی‌دانم هم مسؤول کی است، خود مردم، چطور شد مثلاً ما جمعیتی داریم که دهها هزار نفر، هزارها نفر، گاهی دهها هزار نفر یک جایی جمع شده‌اند ولی مسجد ندارند و حال اینکه آب دارند، گاز دارند، نانوائی دارند، داروخانه دارند، پزشک دارند، نمی‌دانم اتوبان دارند، بلوار دارند، چی چی چی، همه چی دارند، همه چیز دارند، مسجد ندارند. خوب این استخفاف نیست. مسجد را سبک شمرده. من با یک کسی قرار داشتم، آمد منزل ما نشست و بعد من وارد شدم، گفتم ببخشید من نیم ساعت دیر آمدم، گفت نه دیر آمدی مهم نیست، تو اگر با رئیس جمهور هم ملاقات داشتی دیر می‌رفتی؟ گفتم نه، اگر با ایشان ملاقات داشتم سر وقت می‌رفتم. گفت پس معلوم می‌شود من پهلوی تو ارزش ندارم. شوخی نداریم با هم. دیر آمدی یعنی من برای تو ارزش ندارم.

می گوید نماز صبح حال ندارم بیدار شوم، شما اگر بلیط هواپیما داشتی بیدار می شدی یا نه؟ اگر امتحان داشتی چی؟ اگر امتحان کنکور بود چه؟ اگر کارمند دولت بودی چه؟ چطور وقتی پهلوی رئیس می رویم لباسمان را اطو می کنیم، سر نماز با لباس بد نماز می خوانیم. اینها همه اش استخفاف است. چطور اگر ظرف می شوئید تلفن صدا کند شیر را می بندید تلفن را جواب می دهید، برمی گردید دوباره آن بشقاب را می شوئید، اما اگر ظرف می شوئیم صدای اذان می شنویم، اصلاً «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» یعنی چه؟ در نماز می گوئیم «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» یعنی بشتاب برای بهترین عمل. ظهر که می شود، مغرب که می شود، بهترین عمل نماز است. من که نشسته ام مشغول کار خودم هستم، یعنی خدایا بیخود می گوئی، بهترین عمل نماز نیست. بهترین عمل فعلاً این است که من انجام می دهم. «خَيْرِ الْعَمَلِ» یعنی وقت اذان، بهترین عمل نماز اول وقت است. این استاد دانشگاه، این معلم، این کارمند، این آموزشگاه، مغازه ها که باز است...

وضع نماز ما مطلوب نیست، نسبت به گذشته خوب است، ولی نسبت به آنکه باید باشیم عقب است. یک حرکتی باید بشود این نماز پهلوی ما سبک شمرده شده. نماز گوشواره است، یک گوشواره اش نماز است، یکی زکات است. این برای ما تلخ است که مثلاً توهین هایی ما بشنویم که مثلاً حالا شما راجع به نماز چنین و چنان، رد شویم...

۴- رعایت حال کودکان در نماز جماعت

در نماز مراعات کودکان را بکنند. یک بار پیغمبر نماز می خواند، آخر نماز تند تند «السلام علیک...» تند تند نماز خواند. مردم گفتند یا رسول الله سلام های آخر را تند گفتی، گفت صدای یک بچه را شنیدم، معلوم می شود مادرش در نماز جماعت بود، بچه جیغ زد. من برای اینکه بچه جیغ نزند، زودتر مادر به بچه اش برسد، زودتر نمازم را خلاصه کردم یعنی ضمن اینکه نماز هست، توجه به کودک...

یک بار حضرت در سجده بود، بچه ها روی کمرش رفتند بازی کردند، حضرت سجده را طول داد، بازی شان تمام شد آمدند پایین، گفتند یا رسول الله نماز را طول دادی، فرمود کمر میدان ورزش بود، بچه ها رفته بودند روی کمر بازی کنند، می خواستم بازی بچه ها به هم نخورد.

صوت پیغمبر خیلی خوب بود. حالا در انگیزه ها انشاء الله خواهیم گفت که... چیزی را بر نماز ترجیح نمی داد. ما گاهی وقت ها وقت نماز است، یک قلیان می آورند، می گوئیم حالا قلیان را بگذار بکشیم، حالا غذا سرد می شود، اول غذا را بخوریم. حالا نمی دانم... یعنی همین طور نماز را می گذاریم برای، یعنی نماز، مسجد برای ما مثل انباری شده. دیدید در خانه ها انبار دارند، نردبان زیادی است، بگذار توی انبار، بشکه را، خوب بگذار توی انبار، گونی زغال بگذار توی انبار، سیب زمینی، بگذار توی انبار، یعنی هر چه که زیاد می آید توی انبار. مسجد برای ما انباری است. عمه مان مرد، خوب فاتحه اش مسجد. تابوت را کجا بگذاریم؟ بگذار توی مسجد. آقا این ادرارش گرفته، مسجد. یعنی مسجد برای ما جای ادرار و تابوت و مرده و مسجد این است واقعا؟ عقد حضرت زهرا در مسجد بود. عزل و نصب ها در مسجد بود، بسیج برای جبهه ها از مسجد بود. مسجد سنگر است، مسجد پایگاه است. تنها جایی که تو و منی در آن نیست، مسجد است. همه با هم سمع الله، همه با هم بحول الله. کسی نمی گوید شما شغلت چی است، قصابی؟ برو صف سوم، شما تاجری برو

صف اول، نه اینطور نیست. درمسجد گزینش نیست. در مسجد تو و منی نیست. رابطه پیشنماز با همه مردم مسجد یک جور است، اینطور نیست که پیشنماز با یک فردی رابطه اش بیشتر از یک فرد دیگر باشد. همه مردم وقتی می آیند در مسجد رابطه امام جماعت با همه باید یک جور باشد. مقدار رکوع باید یک جور باشد، اینطور نباشد که تاجرها یک جور رکوع کنند، فقرا یک جور. تاجرها سرشان را بگذارند روی سنگ مرمر، کاسبها بگذارند روی سنگ چی، فقیرها هم بگذارند روی خاک. همه با هم، بلندترین نقطه بدن را هم باید بگذاریم. پیشانی را بگذار روی خاک. همه هم باید با وضو وارد شوند، همه هم باید به یک سمت نماز بخوانند، تا آقا حرف می زند کسی حرف نزند. اگر آقا را قبول نداری برو یک مسجدی که آقا را دوست داری و قبول داری، یعنی آزادی داری، انتخاب داری. این برکاتی است که در نماز نهفته شده است.

حضرت دید یک کسی نماز می خواند تند تند سجده می کند، فرمود: «تَقَرَّ كَنْفَرِ الْغُرَابِ» (کافی/ج ۳/ص ۲۶۸) مثل کلاغ نوک به زمین می زند. یک کسی داشت با ریش هایش بازی می کرد، گفت «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد/۴-۶) حضرت فرمود چطور نماز می خواند، این اگر دلش با خدا بود، دستش این رقمی بازی نمی کرد. اینکه ما نماز می خوانیم دست توی گوش می کنیم، دست توی دماغ می کنیم، ساعت می بینیم، دهان دره می کنیم، این پیدا است داریم چوب خط خط می کنیم. بد نماز می خوانیم. آنهایی که نماز می خوانند، بد نماز می خوانند بعضی هایشان. قرآن می گوید مگر مقام بالا نمی خواهی؟ اگر مقام محمود می خواهی، راه رسیدن به آن مقام نماز است.

۵- اهتمام پیامبر به نظم و بهداشت در نماز

اهتمام به صفوف داشت که صفها باید منظم باشد. عطر مصرف می کرد. بهترین لباس را می پوشید، پول عطر پیغمبر بیش از پول چیزهای دیگرش بود. نماز را با جماعت می خواند، حتی روزهای غریبی اسلام نماز جماعت سه نفره می خواندند. یعنی پیغمبر پیشنماز بود، یک مرد پشت سرش بود، علی ابن ابیطالب، یک زن، خدیجه کبری. تازه هم فرمود که نماز من کجا؟ حق عبادت، «مَا عِبَادَتِكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» (بحار الانوار/ج ۶۸/ص ۲۳) خدایا، این همه عبادت می کرد می گفت تو را نشناختم. به امام سجاد گفتند خیلی عبادت می کنی، فرمود عبادت من کجا، عبادت علی و پیغمبر کجا. حضرت نماز را به آب تشبیه کرد، فرمود اگر کسی روزی پنج مرتبه دستش را با آب بشوید، باز هم آلودگی در دستش می ماند. روزی پنج بار نماز خواندن همه عیبها را برطرف می کند. وقتی وارد مدینه شد، در هجرت اولین کار پیغمبر مسجد بود. منافقینی که مسجد ضرار درست کردند که جمعیت مسلمانها شقه شقه شود، آن مسجد را پیغمبر خراب کرد. این چند جمله ای راجع به نماز پیغمبر، البته گفتم گوشه ای از سخنان.

برادرها و خواهرها بیایید به نماز توجه کنیم. نماز خیلی وضعیت بد بود، بهتر شده ولی هنوز در کشور امام زمان یک دانه تارک الصلوه هم نباید باشد. مگر چند دقیقه ما نماز می خوانیم؟ شما الان نگاه به ساعت کن، من یک رکعت نماز می خوانم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» (فاتحه/۱-۷) «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص / ۱-۴) «سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ» بلند می‌شویم سجده، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلِيِّ وَ بِحَمْدِهِ» می‌نشینیم دو مرتبه، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلِيِّ وَ بِحَمْدِهِ» این یک رکعت است، چقدر طول کشید؟ چهل ثانیه؟ ده تا چهل ثانیه، حالا بگو یک دقیقه، یک دقیقه ۱۷ رکعتش می‌شود ۱۷ دقیقه، آخر ۱۷ دقیقه به اندازه اطو کردن یک آستین است، به اندازه این است که آدم یک لحظه زلف هایش را از شمال شرقی ببرد جنوب غربی. آنوقت خدا اگر روز قیامت بگوید من این همه به تو نعمت دادم، تو چند دقیقه با من حرف نزدی،

۶- تأثیر و قدرت نماز در زندگی فردی و اجتماعی

آنوقت می‌دانی اگر با خدا رفیق شوی، ابرقدرت‌ها کاریت ندارند؟ آدمی که خدا دارد، همه چیز دارد. شاه نداشت، آمریکا را داشت، اروپا را داشت، اسلحه را داشت، قوای مسلح را داشت، پول داشت، نفت داشت، دلار داشت، شاه خدا را نداشت، همه چیز داشت و امام خمینی خدا داشت، هیچی نداشت. پیغمبر خدا داشت و هیچی نداشت. کفار مکه همه چیز داشتند. یوسف در چاه هیچی نداشت، ولی خدا داشت. پیغمبر در غار هیچی نداشت ولی خدا داشت. بیرون همه مشرکین همه اسلحه داشتند، ولی خدا پیغمبرش را در غار با تار عنکبوت حفظ کرد. شما می‌دانید بیست و پنج شش سال است چقدر آمریکا توطئه کرده علیه ایران؟ اصلا کاری بوده که آمریکا نکند؟ زدن هواپیما، زدن کشتی، بمباران، شیمیایی، اصلا کاری بوده که آمریکا خودش یا با واسطه، یا با تشویقش، اصلا کاری بوده که نکند و بعد از بیست و پنج سال می‌بینید که آیا در دنیا آیا ایران عزیزتر است یا رئیس جمهور آمریکا؟ رئیس جمهور ما در هر کشوری می‌رود چه عزتی دارد، رئیس جمهور آمریکا هر کجا می‌رود موج می‌افتد که چرا آمد اینجا. چون مثل سگی که در هر خانه‌ای می‌رود می‌پرد. بیست و هفت سال است همه رقم ضربه‌ای به ما زدند، یک کشور کوچک، آن هم یک ابرقدرت، خدا چون با ما هست، حالا اگر همیشه ما با خدا باشیم چه می‌شود؟ یک کسی عاشق یک دختری شده بود، دختر شاه، می‌گفتند به تو نمی‌دهند، آخر تو بچه فقیر، دختر شاه را می‌خواهی بگیری؟ گفتند حالا دلم هوای او را کرده. یک کسی دلش سوخت، گفت ببین یک کاری بکن، برو در یک غاری مشغول نماز شو، من شاه را که گاهی می‌آید بیرون برای تفریح، من به او می‌گویم یک جوانی دارد عبادت می‌کند در این غار، به اسم اینکه ملاقات کند، شاه را می‌آورم آنجا. او هم چون عاشق بود رفت توی غار و مشغول عبادت شد و بالاخره مدت‌ها گذشت و این شاه آمد اطراف شهر گردش کند، آن کسی که جزء هیئت همراه بود، بالاخره شاه را آورد دم غار، جوان تا دید شاه آمده، نمازش که تمام شد دوباره بلند شد گفت الله اکبر، باز شروع کرد به نماز، این هیئت همراه گفت بابا اعلی حضرت تشریف آورده‌اند، اصلا اعتنا نکرد، دوباره گفت الله اکبر، هی نماز خواند و شاه یک خورده نگاه کرد و دید اصلا نگاه نمی‌کند، بعدا شاه که رفت این کارگردان گفت که احمق، من شاه را آوردم دم غار چرا سلام علیک نکردی؟ گفت راستش را می‌خواهی تا آن وقتی که شاه بیاید من نماز می‌خواندم به عشق اینکه شاه بیاید، بلکه دخترش را به من بدهد، وقتی دیدم نماز قلبی من شاه را به غار می‌کشد، دیدم پس چرا نماز حقیقی نخوانم؟ از آن وقت دیدم که نماز قلبی‌اش این قدر زور دارد، پس گفتم حقیقی

اش چقدر زور دارد، از آن وقت تصمیم گرفتم که گور پدر شاه و دخترش. من بروم سراغ خدا. یعنی نماز پلاستیکی ما، ایمان ضعیف ما، مقداری که سمت خدا رفتیم، این رقم عزیز شدیم، حالا اگر همیشه سمت خدا برویم چه؟ مادرها، پدرها، اگر بچه هایتان می‌خواهید سالم باشند، باید بچه مسجد باشند. تمام مفاسد وقتی است که انسان از خدا جدا شود. حالا ما دو رقم نماز داریم، یک نمازهایی را خدا تعریف کرده، یک نمازهایی را خدا انتقاد کرده. اصلاً بعضی‌ها نماز نمی‌خوانند، قرآن می‌گویند «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى» (قیامت/۳۱) اصلاً نماز نمی‌خوانند. حالا جواب چه می‌خواهد بگوید من نمی‌دانم چه می‌خواهد بگوید، یعنی اگر به او گفتند چرا با خدا حرف نزدی، چی می‌خواهد بگوید؟ تو با همه حرف زدی، خوب پنج دقیقه هم با خدا حرف می‌زدی، جوابش را واقعاً توجیه نیستند. یک عده هستند گاهی می‌خوانند، گاهی نمی‌خوانند که قرآن می‌گوید «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون/۵) گاهی می‌خوانند، گاهی نمی‌خوانند، که خدا این را هم توبیخ کرده. یک عده‌ای هستند قرآن می‌گویند «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ» (مریم/۵۹) نماز را ضایع می‌کنند، حمدش غلط است، نماز که کاری ندارد، نماز هفده تا کلمه است، این هفده کلمه را یک کسی می‌تواند درست کند. الفاظ نماز اگر درست ادا نشود معنایش فرق می‌کند. شما اگر گفتی «اللهم سل علی محمد»، سل، سل، با سین، یعنی خدایا بکشش، اگر گفتی «اللهم صل» یعنی درود فرست. عین کد شهرستان، ۰۲۱ یک استان است، ۰۳۱ یک استان دیگر، ۰۴۱ یک استان دیگر، که حالا ۳۱۱ و ۴۱۱ شده. یعنی نماز مثل شماره تلفن است، یک دندانه کم و زیاد شود، یک شماره جا به جاشود، یک کسی دیگر گوشی را برمی‌دارد. مثل سوئیچ ماشین می‌ماند، یک خورده دنده هایش کم و زیاد شود، قفل باز نمی‌شود. مثل آمپول می‌ماند، اگر به جای رگ بزنی بغل رگ، می‌خورد توی استخوان، یعنی نماز را باید دقیق خواند. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ». «أَضَاعُوا» ضایع می‌کنند نماز را. گاهی وقت‌ها همین خانم که نماز نمی‌خواند، مهمان که دارد یک ترب را برمی‌دارد، ده دقیقه این ترب را مثل غنچه و گل می‌کند. می‌گذارد روی ماست. خوب این مهمان یک نگاهی می‌کند و ترب را می‌گذارد دهانش و می‌جود و تمام می‌شود. تو برای یک ثانیه که نگاه مهمان به این ترب بخورد، این همه به گل ور رفتی، ده ساعت نشستی که مثلاً کی گل خورد، کی گل زد، آنوقت سه دقیقه نماز نخواندی. جواب چی است؟ خدا را قبول نداریم، چرا خدا را قبول داریم. نیاز نداریم؟ کاری به خدا نداریم؟ فکر می‌کنیم خدا به نماز ما نیاز دارد. سر و کارمان با او نخواهد افتاد. بعضی راجع به نماز کوتاهی می‌کنند. قرآن می‌گوید که روز قیامت اهل بهشت از اهل جهنم پرسیدند «ما سلککم فی سقر» چطور شما دوزخی شدید؟ می‌گویند به چند دلیل، یکی اینکه «لَمْ تَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر/۴۳) ما پایند به نماز نبودیم، گاهی می‌خواندیم، گاهی نمی‌خواندیم، «وَلَمْ تَكُ تُطْعَمُ الْمِسْكِينَ» (مدثر/۴۴) پایند فقرا هم نبودیم، در مملکت ما فقیرها بودند ولی ما بیخیال بودیم. «وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (مدثر/۴۵) می‌گفتند خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو، هر جوری می‌زدند همانطوری می‌رقصیدیم، نان را به نرخ روز می‌خوردیم، هر طرف باد می‌آمد می‌رفتیم، «وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ» (مدثر/۴۶) قیامت را هم باور نداشتیم، این... پس ببینید بعضی نمازها منفی است، کسانی که از نماز، نمازشان...

۷- نماز بی ولایت و معرفت، نماز مردود

نماز بی معرفت، منفی است. نماز بی ولایت، نماز می‌خواند، اما رهبر آسمانی را قبول ندارد، مقبول نیست. نماز همراه با ریا، مقبول نیست. حالا ریا کاری. اگر مکانش برای ریا باشد، نماز باطل است. مثلا آدم صف اول بایستد که دوربین تلویزیون نشانش بدهد. یک کسی سر نماز بود، دوربین آمد جلویش، یک مرتبه همین طور که قنوت می‌خواند، یک مرتبه نگاه کرد دید دوربین است، وسط نماز همچین کرد، حالا. اگر آدم یک مکانی بایستد که مکان برای این باشد که دوربین نشانش بدهد، باطل است. نماز برای خداست ولی مکانی که می‌ایستد برای غیر خداست. اگر زمانی عمل کند که زمان برای غیر خدا باشد، مثلا اول وقت می‌خواند تا بگویند این آدم خوبی است. اگر اول وقت هم برای خدا نباشد، نماز باطل است. اگر واجبات نماز برای غیر خدا باشد، نماز باطل است. اگر مستحبات برای غیر خدا باشد، باز هم نماز باطل است. مثلا عبا دوش گیرد، عمامه سر گیرد، دستش را کج کند، قیافه بگیرد، باز نمازش باطل است.

پس ببینید واجباتش، حتی اگر یک کلمه از نماز، مثلا در نماز سه دقیقه نماز می‌خواند، نیم دقیقه‌اش برای غیر خدا باشد، باز کل نمازش باطل است. مثل ماشینی که چهار تا چرخ دارد ولی یک چرخش پنچر است، باز هم نمی‌رود. واجب برای غیر خدا، باطل. مستحب برای غیر خدا، باطل. قیافه برای غیر خدا باطل. زمان برای غیر خدا، باطل. مکان برای غیر خدا، باطل. نماز صد در صد باید برای خدا باشد.

آنوقت راجع به نماز چند تا تعبیر داریم. یک تعبیر داریم که «**اسْتَحْفَ بِالصَّلَاةِ**» یک جا هم داریم «**أَضَاعُوا الصَّلَاةَ**» (مریم/ ۵۹) نماز را ضایع کردند، یک جا داریم «**اهان بالصَّلَاةِ**» به نماز اهانت کردند. سه تا تعبیر است، «**استخف، اهان، اضاع**» خفیف کرد، سبک کرد، ضایع کرد، اهانت کرد، این مال خیلی وقت‌ها مال مثلا در اداره می‌رویم، اتاق مدیر کل چطور است، چه اتاق شیکی، اتاق معاونت شیک است، نمازخانه کجاست؟ زیر پله‌ها. آن مدیری که اتاق خودش را قشنگ درست کرده، ولی نمازخانه را پست، این مدیر «**اسْتَحْفَ بِالصَّلَاةِ**».

۸- لزوم توجه دولت و مردم به نماز و مسجد

من نمی‌دانم واقعا آدم خجالت می‌کشد که ما بیست و هفت هشت سال است از انقلابمان می‌گذرد، هنوز حدود چهل هزار مدرسه داریم که نمازخانه ندارد. واقعا استاندارها، بانک‌ها، مثلا اگر بگویی، آخر می‌دانی سالن نمازخانه هم یکی ده میلیون بیشتر نمی‌شود، چون نمازخانه در مدارس، پول زمین که نباید بدهد، گوشه مدرسه یک سالن می‌سازد، پس پول زمین نمی‌خواهد بدهد، دستشویی هم که نمی‌خواهد بسازد، چون مدرسه دستشویی دارد، چه بچه‌ها نماز بخوانند، چه نخوانند، منار و گنبد هم که ندارد، کاشی سازی و دکور سازی هم ندارد، یک سالن صد متری، چقدر تمام می‌شود؟ پانزده میلیون تمام می‌شود مثلا میانگینش، پانزده میلیون پول دو تا پیکان است، دو تا ماشین است. یعنی ما چند نفر داریم که برای قبر خودش صد میلیون خرج می‌کند، برای تغییر خانه خودش، یک سالن بسازد، بالایش هم مثلا این هدایی بانک فلان، هر بانکی یک سالن نمی‌تواند بسازد؟ هر کارخانه‌ای یک سالن نمی‌تواند بسازد؟ هر صنفی. مثلا

صنف فرش فروش‌ها یک سالن، صنف قصاب‌ها یک سالن، صنف نانواها یک سالن، صنف بزازها یک سالن، ببینید ما چهل هزار مدرسه داریم که نمازخانه ندارد. آیا دولت نمی‌تواند بسازد؟ رئیس جمهور، هیئت وزراء، نمی‌توانند بسازند؟ چرا می‌شود. من رفتم هیئت دولت، گفتم آقایان، سالی ده هزار تا سالن می‌خواهیم، ده هزار تا پانزده میلیون چقدر می‌شود؟ ببینید این هنوز جزء دستور کار نیامده، می‌گویند درست می‌گویید، همه مسئولین هم می‌گویند حرفهایت درست است، اما هنوز این را تصمیم نگرفته‌اند. تصمیم مهم است. یک وقت انسان تصمیم می‌گیرد. در انقلاب تصمیم گرفتند شاه را بیرون کنند، تصمیم گرفتند یک وجب زمین را به صدامی‌ها ندهند. ایرانی‌ها هر جا تصمیم گرفتند موفق شده. ایران هنوز راجع به نماز و زکات تصمیم نگرفته. وگرنه گاهی وقت‌ها مثلا نگاه می‌کنید در یک فلکه این مجسمه را برمی‌دارند یک مجسمه دیگر درست می‌کنند، حوض چهارگوش است گرد می‌کنند، گرد است چهارگوش می‌کنند، پیاده روها را مثلا چه می‌کنند، گاهی یک وقتی یک پیاده رو می‌خواهند درست کنند میلیاردها خرجش است، من نمی‌گویم این کار را نکنند، ولی می‌گویم اول نماز را حل کنید، آخر ما روز قیامت پهلوی شاه عباس که دیگر نمی‌توانیم شرمند باشیم، حالا پهلوی خدا شرمند هستیم طوری نیست، پهلوی محمد و آل محمد شرمند هستیم طوری نیست، پهلوی شهدا، دیگر حالا شاه عباس هم بگوید من شاه طاغوتی کاروانسرای شاه عباسی برای شما ساختم، آنوقت شما حزب الهی‌ها هنوز برای بچه‌هایتان نمازخانه نساخته‌اید؟ ما پهلوی شاه عباس چه خاکی به سرمان بکنیم؟ ما دیگر پهلوی شاه عباس که نمی‌توانیم خجالت بکشیم، آخر هر کاری نکنیم آخر ما که... یک مقداری کوتاه آمده‌ایم، حالا این کوتاهی را انشاءالله درست کنیم. می‌گویند یک شتری را خیلی اذیت کردند، صاحب شتر از شتر عذرخواهی کرد، گفت شتری، گفت بله، گفت خیلی بار، بارت کردم، در بیابان‌ها، تشنه، گرسنه، دواندمت، معذرت می‌خواهم، گفت همه حلال، فقط یک جا حلال نمی‌کنم، گفت کجا؟ گفت یک بار افسار من را به دم یک خر بستید، خیلی به من بر خورد، بالاخره من شتر هستم، افسار من را به خر بستید. گاهی آدم به او برمی‌خورد که علی ابن ابیطالب سر نماز شهید می‌شود، امام حسین ظهر عاشورا سی تا تیر به او می‌زنند ولی نمازش را اول وقت می‌خواند، اصلا نماز اول وقت، ما، امام رضا فرمود جوری وقت نماز بروید مسجد تا بگویند «هؤلاء جعفریه» اینها طرفدارهای امام جعفر صادق هستند که اینطور متوجه نماز اول وقت هستند. آنوقت الآن نماز اول وقت اینطور است، یعنی شما ظهر وارد شهر که می‌شوی، ظهر همه مغازه‌ها باز است، آن سر کلاس است، انگار هیچی به هیچی نیست. مسأله نماز را خفیف شمرده‌ایم. آقایان شهرداری، آقایان وکیل‌ها، وزیرها هرکه هستید، به خدا قسم می‌شود مسأله نماز را حل کرد. ما استاندار داریم که وقتی وارد یک منطقه‌ای شده، خودش و معاونینش یک ذره نماز را ده برابر کرده‌اند. بنده الآن سراغ داریم مدیرعامل منطقه‌ای را که امام جمعه‌اش می‌گفت از وقتی ایشان مدیر شده نماز ما جمعیتش انبوه شده. مسئولین بیایند، مردم هم می‌آیند. حالا عوامل رشد نماز را انشاءالله در جلسه بعد می‌گویم. چه عواملی باعث می‌شود مسجدها شلوغ شود. نماز را سبک شمردیم، هم استغفار کنیم، نذر می‌خواهی بکنی، بسم الله، نذر کن اگر خدا این مشکل را حل کرد، یک سالن بسازی. حتی تبلیغات، مثلا این بانک که می‌خواهد از خودش تبلیغات کند؟ یک سالن بسازد بالایش بنویسد هدایی بانک فلان

به مدرسه فلان. یک سالن ده پانزده میلیونی می‌شود، آنقدر تاجر داریم که اصلاً پانزده میلیون پهلویش مثل یک سیگار است، واقعا پانزده میلیون پهلوی بعضی تاجرها مثل یک سیگار است. اگر هر تاجری و هر صنفی و هر وکیلی و هر وزیری، بانکی، این مشکل باید حل شود، بعد از بیست و هفت سال قابل تحمل نیست، وضع نماز ما خوب نیست. خوشا به حال کسانی که نمازشان قبول شد و انشاءالله خدا توفیق دهد ما توبه کنیم نسبت به آنجایی که «استخف، اضاعوا، اهان» داشتیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»